**امام علی علیه السلام**

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) امام اول [شیعیان](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B4%DB%8C%D8%B9%D9%87)، چهارمین [خلیفه](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AE%D9%84%DB%8C%D9%81%D9%87) [اهل سنت](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%87%D9%84_%D8%B3%D9%86%D8%AA)، جانشین بر حق، داماد و پسر عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. وی فرزند [ابوطالب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8) و [فاطمه بنت اسد](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%D8%A8%D9%86%D8%AA_%D8%A7%D8%B3%D8%AF)، همسر [حضرت زهرا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7) (سلام الله علیها) و پدر [امام حسن](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%D9%86) (علیه السلام)و [امام حسین](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86) (علیه اسلام) و [زینب کبری سلام الله علیها](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B2%DB%8C%D9%86%D8%A8_%DA%A9%D8%A8%D8%B1%DB%8C_%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7) است. ایشان در سیزدهم رجب، سی سال پس از واقعه اصحاب فیل در داخل خانه کعبه متولد شدند. پس از بعثت [رسول خدا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) (صلی الله علیه و آله و سلم) ایشان اولین مردی بودند که اسلام آوردند و در تمام سختی ها یار و یاور پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند. حضرت در سال 40 هجری در 63 سالگی به دلیل کینه ای که [خوارج](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AC) نسبت به ایشان داشتند و به دست [ابن ملجم مرادی](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D9%85%D9%84%D8%AC%D9%85_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AF%DB%8C) به شهادت رسیدند

نسب امام علی علیه السلام

نسب ایشان عبارت است از: علي بن أبي طالب، بن عبد المطلب، بن هاشم بن عبد مناف، بن قصي، بن كلاب، بن مرة، بن كعب، بن لؤي، بن غالب، بن فهر، بن مالك، بن النضر، بن كنانة، بن خزيمة، بن مدركة، بن إلياس، بن مضر، بن نزار، بن معد، بن عدنان. .

و نسب مادرشان عبارت است از: فاطمة بنت أسد، بن هاشم، بن عبد مناف، بن قصي. .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد نسب خودشان و حضرت علی (علیه اسلام) می فرمایند: أنا وعلي من شجرة واحدة، وسائر الناس من شجر شتى[[۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-1)

پدر آن حضرت [ابوطالب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8) پسر [عبدالمطلب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B7%D9%84%D8%A8) بوده که با عبدالله پدر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برادر اعیانی (پدری و مادری) بوده و مادر آن حضرت، [فاطمه بنت اسد](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%D8%A8%D9%86%D8%AA_%D8%A7%D8%B3%D8%AF) بن [هاشم](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%87%D8%A7%D8%B4%D9%85) بن [عبدمناف](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81) بوده و آن حضرت و برادرانش اول هاشمی بودند که پدر و مادرشان هر دو هاشمی بودند.

مرقد امام علی علیه السلام در نجف اشرف

همسران و فرزندان

همسران حضرت

مورخان تعداد [همسران حضرت](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%87%D9%85%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D9%86_%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%28%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%29) را نه[[۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-2) نفر ذکر کرده اند که در زمان حیات حضرت زهرا (س) تنها ایشان همسر امیرالمؤمنین بوده اند و پس از آن نیز در هر زمان تنها چهار نفر همسر ایشان بوده اند. از جمله این زنان عبارتند از:

1. [حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7_%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7) : ایشان اولین همسر حضرت و تنها همسر ایشان از سال اول هجری تا زمان به شهادت رسیدنشان توسط غاصبان خلافت بودند. بی شک ماجرای [ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC_%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%28%D8%B9%29_%D9%88_%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%28%D8%B3%29) الگویی بی مانند برای تمام انسان ها می باشد. امیرالمؤمنین در حالی که 24 سال داشتند به نقل اکثر علما و مورخین در روز اول ذی الحجه سال اول هجری با حضرت زهرا (س) ازدواج کردند و ثمره این این ازدواج درخت گهربار امامت بود.
2. اُمامه دختر ابو العاص: او دختر زينب، دختر پيامبر خداست. زينب، پيش از اسلام با ابو العاص، خواهرزاده خديجه (و پسر خاله خويش)، ازدواج كرده بود. بنا به وصيّت زهرا عليها السلام با او ازدواج كرد. فاطمه زهرا عليها السلام به على عليه السلام گفت: «او براى فرزندانم همچون من است[[۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-3)». وی تا زمان به شهادت رسیدن حضرت، همسر ایشان بود.
3. اسماء دختر عُمَيس خَثعَمى: و از زنان بزرگ در تاريخ اسلام و جزو نخستين زنانى است كه به پيامبر صلى الله عليه و آله ايمان آوردند. اسماء با جعفر بن ابى طالب، ازدواج كرد. چون جعفر به شهادت رسيد، به ازدواج ابو بكر درآمد و [محمد بن ابی بكر](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D8%A8%D9%83%D8%B1) را به دنيا آورد كه قهرمان پايدارى در ولايت على عليه السلام است. اسماء پس از فوت ابو بكر، به ازدواج امام على عليه السلام درآمد[[۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-4) و يحيى را برايش به دنيا آورد و تا زمان شهادت امام عليه السلام با او بود.
4. فاطمه دختر حِزام ([ام البنين](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D8%A8%D9%86%D9%8A%D9%86)) : وى از شخصيت هاى درخشان در تاريخ اسلام است و به خانواده اى منسوب است كه در شجاعت و شهامت و پيكار، نظير ندارند. ایشان را عقیل برادر حضرت علی علیه اسلام به برای حضرت انتخاب کرد[[۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-5). اُمّ البنين، شاعرى زبان آور و بزرگ بود. چهار پسرش را در ركاب امام حسين عليه السلام به كربلا فرستاد که همگی به شهادت رسیدند[[۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-6)

همچینن حضرت دارای هفده کنیز بوده اند[[۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-7) که برخی از آنان برای ایشان فرزند آورده و به ام ولد مشهور گشتند.

فرزندان حضرت

مورّخان، بر عدد واحدى در تعداد [فرزندان امام على علیه السلام](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%D9%89_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85) اتّفاق ندارند. شيخ مفيد، آنان را ۲۷ پسر و دختر مى داند[[۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-8) و ابن سعد، تعداد آنان را به ۳۴ نفر مى رساند[[۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-9) و مِزّى، آنان را ۳۹ نفر مى شمارد[[۱۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-10). اختلاف موجود در كتاب هاى تاريخى را مى توان ناشى از تداخل نام ها و كنيه ها و تكرار برخى از آنها دانست. برخی از فرزندان حضرت عبارتند اند:

1. [امام حسن علیه السلام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%D9%86_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)
2. [امام حسین علیه السلام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)
3. [حضرت زینب سلام الله علیها](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B2%DB%8C%D9%86%D8%A8_%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7)
4. [حضرت ام کلثوم سلام الله علیها](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85_%DA%A9%D9%84%D8%AB%D9%88%D9%85_%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8)
5. [محمد بن حنفیه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%AD%D9%86%D9%81%DB%8C%D9%87)
6. [حضرت عباس علیه السلام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)

ولادت امام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در روز جمعه سیزدهم ماه [رجب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%AC%D8%A8) بعد از سی سال[[۱۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-11) از [عام الفیل](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D9%81%DB%8C%D9%84) در درون [کعبه](http://wiki.ahlolbait.com/%DA%A9%D8%B9%D8%A8%D9%87) معظمه متولد شده اند. [[۱۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-12)

به نقل از سعيد بن جبير، از يزيد بن قَعنَب: من با عبّاس بن عبد المطّلب و گروهى از قبيله عبد العُزّى، روبه روى [كعبه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%83%D8%B9%D8%A8%D9%87) نشسته بودم كه ناگاه، [فاطمه بنت اسد](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%D8%A8%D9%86%D8%AA_%D8%A7%D8%B3%D8%AF)، مادر امير مؤمنان، جلو آمد. او در ماه نهم باردارى به على عليه السلام بود و درد زايمانش آغاز شده بود. پس گفت: پروردگارا! من به تو و پيامبران و كتاب هاى آمده از سوى تو، ايمان دارم و سخن جدّم ابراهيم خليل را تصديق مى كنم و اين كه او خانه كُهن و آزاد را [براى عبادت همه مردم ]ساخت. پس به حقِّ بنا كننده اين خانه و به حقّ فرزندى كه در شكم دارم، زايمانم را بر من آسان گردان! پس ديديم كه پشت كعبه باز شد و فاطمه، داخل شد و از ديد ما پنهان گشت و ديوار كعبه به هم برآمد. خواستيم قفل در را بگشاييم؛ امّا گشوده نشد. پس دانستيم كه اين، امرى از امور خداى متعال است. سپس فاطمه پس از چهار روز بيرون آمد، در حالى كه امير مؤمنان را در دست داشت. سپس گفت: من بر همه زنان پيش از خود، برترى يافتم؛ چون آسيه دختر مزاحم، خدا را پنهانى در جايى عبادت كرد كه خدا عبادت در آن جا را جز از روى اضطرارْ دوست نمى دارد، و مريم دختر عمران، درخت خشكيده خرما را تكان داد تا از آن، خرماى تازه بخورد، ولى من به درون خانه حرمتدار خدا رفتم و از ميوه ها و روزى هاى بهشتى خوردم. [[۱۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-13)

نام گذاری حضرت

هنگامى كه امام عليه السلام متولّد شد، مادرش فاطمه بنت اسد، از سرِ خجسته داشتن نام پدرش اسد، او را «حيدرة» ناميد. سپس او و ابو طالب، به الهام الهى توافق كردند كه وى را «على» بنامند.

به نقل از فاطمه بنت اسد ـ: من به درون كعبه رفتم و از ميوه ها و روزى هاى بهشتى خوردم. پس چون خواستم بيرون بيايم، كسى مرا ندا داد: اى فاطمه! او را «على» بنام كه او على (بلند مرتبه) است و خداوندِ علىّ اعلى مى فرمايد: «نامش را از نام خود برگرفته ام و به ادب خود، تربيتش كرده ام و بر دشوارى هاى دانشم آگاهش كرده ام. اوست كه بت ها را در خانه ام مى شكند، و اوست كه بر بام خانه ام اذان مى گويد و مرا تقديس و تمجيد مى كند. پس خوشا به سعادت كسى كه دوستش بدارد و اطاعتش كند، و واى بر كسى كه سرپيچى اش كند و دشمنش بدارد!». [[۱۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-14)

نام حضرت به زبان های دیگر

امام على عليه السلام می فرمایند: نام من در [انجيل](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%8A%D9%84)، «اليا» و در [تورات](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AA%D9%88%D8%B1%D8%A7%D8%AA)، «برى ء» و در زبور، «أرىّ» و نزد هندوان، «كبكر» و پيش روميان، «بطريسا» و نزد پارسيان، «جبتر» و پيش تركان، «بثير» و نزد زنگيان، «حيتر» و پيش كاهنان، «بوى ء» و نزد حبشيان، «بثريك» و نزد مادرم، «حيدرة» و پيش دايه ام، «ميمون (خوش يُمن)» و نزد عرب، «علىّ» و پيش ارامنه، «فريق» و نزد پدرم، «ظهير» است. [[۱۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-15)

کنیه ها و القاب

امير مؤمنان، كنيه هاى متعدّدى داشته كه مشهورترين آنها «ابو الحسن» است [[۱۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-16).

براى امام عليه السلام كنيه هاى ديگرى مانند: ابو الحسين، ابو السبطين [[۱۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-17)، [ابو الريحانتين](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D9%88_%D8%A7%D9%84%D8%B1%D9%8A%D8%AD%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%8A%D9%86&action=edit&redlink=1) و [ابو تراب](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D9%88_%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%A8&action=edit&redlink=1) هم ذكره شده است.

از روايات، چنين بر مى آيد كه كنيه «ابو تراب»، محبوب ترين كنيه نزد امام عليه السلام بوده است و هرگاه ايشان را با آن مى خوانده اند، شادمان مى شده است. [[۱۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-18)

امام عليه السلام، القاب و اوصاف بسيارى دارد كه هر كدام، اشاره اى دارند به بُعدى از ابعاد والاى علمى، عملى، فرهنگى، اجتماعى، معنوى و سياسى شخصيت او. بسيارى از اين القاب، به روزگار پيامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شناخته شده بود، كه پيامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام عليه السلام را بدان ها خطاب مى كرد.

برخى از اين القاب چنين اند: «أعلمُ الاُمّة»، «أقضَى الاُمّة»، «أوّلُ مَن أسلَمَ»، «أوّلُ مَن صلّى»، «خير البشر»، «أمير المؤمنين»، «إمام المتّقين»، «قائد الغُرِّ المُحَجَّلين»، «سيّد المسلمين»، «سيّد المؤمنين»، «يعسوب المؤمنين»، «الأنزع البطين»، «عمود الدين»، «سيّد الشهداء»، «سيّد العرب»، «راية الهدى»، «باب الهدى»، «حَيدر»، «المرتضى»، «الولىّ» و «الوصىّ» [[۱۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-19) و. . . . .

در ميان القاب على عليه السلام، دو لقب از بقيه مشهورتر است:

* امیرالمؤمنین :

لقب «امير المؤمنين»، ويژه على عليه السلام است و ديگرى را با اين لقب ياد كردن، شايسته نيست. بر اساس متون مختلف روايى كه بخشى از آنها پس از اين مى آيد، حتّى ساير امامان معصوم عليهم السلام را نيز نمى توان با اين عنوان، ياد كرد.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: آن گاه كه شبانه به آسمان برده شدم و ميان من و پروردگارم فاصله اى جز به اندازه دو سرِ كمان يا كمتر از آن نبود، پروردگارم آنچه كه بايد به من وحى كند، وحى كرد و سپس فرمود: «اى محمّد! به على بن ابى طالب، امير مؤمنان، سلام برسان، كه پيش از او هيچ كس را به اين نام نناميده ام و پس از او نيز كسى را به اين نام نمى نامم». [[۲۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-20)

* وصی :

اين عنوان، در همان روزگاران حياتِ پيامبر خدا چنان براى على عليه السلام مشهور بود كه دور ونزديك، و دوست و دشمن، از اين عنوان مولا آگاهى داشتند.

سیمای حضرت

مردى ميانه بالا كه به كوتاهى و چاقى نزديك تر مى نمود. از خوش سيماترين مردم بود و رويش گويى ماه شب چهارده. پُرتبسّم، گندمگونِ مايل به سبزه، چشمانش سياه و درشت و اندكى خمار. موى جلوى سرش ريخته بود. گردنش گويى جام نقره بود. ريشش پُر پشت بود و موهاى سپيدش را رنگ نمى كرد. چهارشانه بود. كف دستانش زِبر، و دست و مچ او محكم و سينه اش پهن بود. شكم داشت. مَفصل هايش سِتَبر، ماهيچه هاى ساعد و ساق پايش ستبر و سرِ آنها باريك بود. چون راه مى رفت، مى خراميد. [[۲۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-21)

دوران کودکی امام علی علیه السلام

در زمانی که قريش به قحطى شديدى دچار شدند پيامبر به عمويش عبّاس كه از توانگران بنى هاشم بود پیشنهاد داد که با برعهده گرفتن سرپرستی پسران ابوطالب از هزینه های او بکاهند. عبّاس، موافقت كرد و آنها به نزد ابو طالب آمدند و گفتند: ما مى خواهيم عائله ات را سبك كنيم تا آن گاه كه مردم از اين سختى به درآيند. ابو طالب به آنها گفت: اگر عقيل را براى من مى نهيد، هركارى كه مى خواهيد، بكنيد. پس پيامبر، على عليه السلام را گرفت و با خود برد و عبّاس، جعفر را [[۲۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-22)

پس از آنکه رسول خدا (ص) سرپرستی امیرالمؤمنین (ع) را قبول کردند، همچون پسر خویش حتی بیشتر، از ایشان مراقبت می کردند. فصل بن عباس پسر عموی حضرت در این مورد نقل می کند که: «از پدرم پرسيدم: كدام يك از پسران پيامبر خدا نزدش عزيزتر بودند؟

گفت: على بن ابى طالب.

گفتم: از تو درباره پسرانش پرسيدم !

گفت: او برايش محبوب تر و عزيزتر از همه پسرانش بود. ما از همان كودكى نديديم كه روزى از وى جدا شود، مگر در سفر براى خديجه، و ما در احسان پدر به پسر، همچون او به على عليه السلام، و در فرمانبردارى پسر از پدر، همچون على عليه السلام از پيامبر خدا نديديم. [[۲۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-23) »

حسين بن زيد بن على بن حسين عليهما السلام نیز از پدرش روایت می کند که: « پيامبر خدا، گوشت و خرما را مى جويد تا نرم شود و در دهان على عليه السلام مى نهاد، در حالى كه او خردسال و در دامانش بود. [[۲۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-24)»

همچنین ابن ابی الحدید معتزلی از جیبر بن مطعم روایت می کند که: « پدرم مطعم بن عدى به ما بچّه هاى مكّه گفت: شما نمى بينيد محبّت اين پسر (يعنى على عليه السلام ) را به محمّد و فرمانبردارى اش را از او كه حتّى بيشتر از پدرش است؟! به لات و عزّى سوگند، دوست داشتم به جاى همه جوانان بنى نوفل، او پسرم باشد. [[۲۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-25)»

امیرالمؤمنین (ع)در مورد آموزش و پرورش خویش به دست رسول خدا (ص) در خطبه قاصعه می فرمایند: «شما موقعيت مرا نزد پيامبر خدا به سبب خويشاوندى نزديك و منزلت ويژه ام مى دانيد. به گاه كودكى ام مرا در دامنش مى نهاد و به سينه اش مى چسبانْد، و در بستر خويش جايم مى داد، و مرا به تن خويش مى سود، و بوى خوشش را به [مشام ]من مى رسانْد، و غذا را مى جويد و لقمه لقمه در دهانم مى نهاد. از من نه سخن دروغى شنيد و نه كار خطايى ديد. بى ترديد، خداوند از همان اَوانِ از شير گرفته شدنِ پيامبر صلى الله عليه و آله، بزرگ ترين فرشته را از ميان فرشتگانش شب و روز، همراه او ساخت تا راه بزرگوارى و محاسن اخلاقى جهان را بپيمايد و من هماره در پى او بودم، همچون بچّه شتر از شير گرفته شده در پىِ مادرش. هر روز از اخلاق خود، نشانه اى برايم بر پا مى داشت و مرا به پيروى اش وا مى داشت [[۲۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-26). »

حضرت علی علیه السلام در دوران رسالت پیامبر اسلام

بنا بر شهادت تمام مورخان قدیم و جدید اولین مردی که بلافاصله پس از بعثت رسول خدا (ص) با ایشان بعیت کرد و رسالت ایشان را قبول کرد، امام علی (علیه السلام) بود. [[۲۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-27)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خود به سبقت حضرت علی علیه السلام در اسلام تصریح کردند و در مجمع عمومی صحابه چنین فرمودند: نخستین کسی که در روز رستاخیر با من در حوض ([کوثر](http://wiki.ahlolbait.com/%DA%A9%D9%88%D8%AB%D8%B1)) ملاقات می کند پیش قدمترین شما در اسلام، علی بن ابی طالب است. [[۲۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-28)

یوم الدار و تعیین علی علیه السلام به جانشینی پیامبر

امام علی علیه السلام خود روایت می کند: چون آيه «و خويشان نزديكت را بيم ده[[۲۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-29)» بر پيامبر خدا نازل شد، مرا فرا خواند و به من فرمود: «اى على! خداوند به من فرمان داد كه خويشان نزديكم را بيم دهم و من دل تنگ و درمانده شدم؛ چون مى دانستم كه هرگاه اين دعوت را برايشان آشكار كنم، از آنان چيزى مشاهده مى كنم كه نمى پسندم. پس خاموش ماندم تا جبرئيل عليه السلام به نزدم آمد و گفت: اى محمّد! اگر فرمان را انجام ندهی، پروردگارت عذابت مى كند.

پس طعامى به اندازه يك صاع (سه كيلو) آماده كن و ران گوسفندى بر آن بنِه و ظرفى بزرگ هم از شير پُر كن. سپس بنى عبد المطّلب را براى من گِرد آور تا با آنان سخن بگويم و آنچه فرمان يافته ام، به آنان برسانم».

پس من آنچه بدان فرمان يافته بودم، انجام دادم و آنان را كه در آن روز، چهل تن، يكى كم يا بيش بودند، فرا خواندم. در ميان آنان، عموهاى پيامبر خدا: ابو طالب، حمزه، عبّاس و ابو لهب نيز بودند.

پس چون به نزد ايشان گِرد آمدند، از من خواست تا خوراكى را كه براى آنان آماده كرده بودم، بياورم. آوردم و چون آن را نهادم، پيامبر خدا، تكّه گوشتى برداشت و با دندان هايش آن را پاره پاره كرد و در اطراف سينى نهاد و فرمود: «با نام خدا شروع كنيد».

پس آنان خوردند تا جايى كه ديگر به چيزى نياز نداشتند ؛ امّا غذا دست نخورده مى نمود و سوگند به خدايى كه جان على در دست اوست، همه آن غذا، خوراك يك نفرشان بود. سپس فرمود: «به آنان نوشيدنى ده» و من، همان ظرف بزرگ را آوردم و از آن نوشيدند تا همگى سيراب شدند و به خدا سوگند، يكى از آنان به تنهايى، مانند آن را مى نوشيد. پس چون پيامبر خدا خواست با آنان گفتگو كند، ابو لهب پيش دستى كرد و گفت: عجبْ اين همراهتان، جادويتان كرد! آنان، متفرّق شدند و پيامبر خدا با آنان سخن نگفت. پس فرمود: «فردا، اى على! اين مرد، چنان كه شنيدى، بر من پيش دستى كرد و قوم، پيش از آن كه با آنان سخن بگويم، متفرّق شدند. پس براى ما خوراكى همچون گذشته بساز و آنان را براى من گِردآور». من، آماده كردم و آنان را فرا خواندم. پيامبر صلى الله عليه و آله از من خواست تا خوراك را بياورم. من هم آوردم. چنان كرد كه ديروز كرده بود، و همه خوردند تا آن جا كه ديگر به چيزى نياز نداشتند. سپس فرمود: «به آنان نوشيدنى بده»و من همان ظرف بزرگ را آوردم و همگى نوشيدند تا سيراب شدند. سپس پيامبر خدا فرمود: «اى بنى عبد المطّلب! به خدا سوگند، هيچ جوانى را در عرب نمى شناسم كه براى قومش چيزى بهتر از آنچه من براى شما آورده ام، آورده باشد. من خير دنيا و آخرت را براى شما آورده ام و خداى متعال به من فرمان داده كه شما را به آن فرا بخوانم. پس كدامتان مرا بر اين امر، يارى مى دهد تا برادر و وصى و جانشين من در ميان شما باشد؟». همه خاموش ماندند و من گفتم: . . . من ـ اى پيامبر خدا ـ وزير تو مى شوم! س دست بر گردنم نهاد و فرمود: «اين، برادر و وصى و جانشينم در ميان شماست. پس گوش به فرمان و مطيعش باشيد». آن جمع برخاستند، در حالى كه مى خنديدند و به ابو طالب مى گفتند: به تو فرمان داد كه گوش به فرمان و فرمانبردار پسرت باشى![[۳۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-30) »

شکستن بت ها به همراه رسول خدا (ص)

حضرت علی علیه السلام نه یک بار که چندین بار، پا به دوش نبی اکرم صلی الله علیه و آله گذاشته و بام بیت خدا را از لوث وجود بت ها پاک ساخته است. دست کم یک بار قبل از هجرت و بار دیگر بعد از هجرت و پس از فتح مکه این کار را کرده است. [[۳۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-31)

به نقل از ابومريم از امام على عليه السلام ـ: پيامبر خدا، مرا با خود برد تا به كعبه رساند و به من فرمود: «بنشين!».

من كنار كعبه نشستم و پيامبر خدا از شانه هاى من بالا رفت و به من فرمود: «برخيز!».

برخاستم و چون ضعفم را در زير [سنگينى] خود ديد فرمود: «بنشين!».

پس پايين آمدم و نشستم. سپس به من فرمود: «اى على! از شانه هاى من بالا برو».

من از شانه هاى ايشان بالا رفتم و پيامبر خدا مرا بلند كرد. چون مرا بالا برد، چنان پنداشتم كه اگر بخواهم، به كرانه آسمان دست مى يابم.

پس بر بالاى كعبه رفتم و پيامبر خدا كنار رفت و به من فرمود: «بت بزرگ آنان (بت قريش) را بينداز».

آن بت از مس بود و با ميخ هاى آهنين به سقف كعبه محكم شده بود. پس پيامبر خدا به من فرمود: «چاره اى برايش بينديش» و پيوسته به من مى گفت: «زود باش! زود باش! «حق آمد و باطل رفت كه باطل، رفتنى است».

من پيوسته در كارِ آن بودم تا موفّق شدم. پس فرمود: «پَرتابش كن!».

من بت را پرتاب كردم و شكست. از بالاى كعبه به پايين پريدم و با پيامبر صلى الله عليه و آله به سرعت بازگشتيم و بيم آن داشتيم كه كسى از قريش يا غير آنان، ما را ببيند. و [ آن بت]، ديگر بالاى كعبه نرفت. [[۳۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-32)

نجات جان پیامبر (ص) در شعب ابی طالب

پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم و مسلمانان بر اثر [محاصره اقتصادى قريش](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AD%D8%A7%D8%B5%D8%B1%D9%87_%D8%A8%D9%86%DB%8C_%D9%87%D8%A7%D8%B4%D9%85_%D8%AF%D8%B1_%D8%B4%D8%B9%D8%A8_%D8%A7%D8%A8%DB%8C%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8) به مدت 3 سال در [شعب ابى طالب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B4%D8%B9%D8%A8_%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8) ساكن شدند، ابوطالب فداكارى را به جايى رساند كه علاوه بر ساختن برج هاى مخصوصى كه از حمله قريش جلوگيرى مى كرد هر شب پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم را از خوابگاه خود بلند مى كرد و جايگاه ديگرى براى استراحت او تهيه مى نمود و فرزند دلبندش على علیه السلام را بجاى او مى خوابانيد و هنگامى كه على علیه السلام مى گفت: پدر جان من با اين وضع بالاخره كشته مى شوم، پاسخ مى داد: عزيزم بردبارى را از دست مده هر زنده اى بسوى مرگ رهسپار است من تو را فداى محمد بن عبد الله صلى الله عليه و آله و سلم نمودم. على علیه السلام در جواب پدر گفت: پدر جان اين كلام من نه به خاطر اين بود كه از كشته شدن در راه محمد صلى الله عليه و آله و سلم هراسى دارم بلكه بخاطر اين بود كه مى خواستم بدانى چگونه در برابر تو مطيع و آماده براى يارى احمد صلى الله عليه و آله و سلم هستم. ابوطالب در شعرى چنين مى گويد: «و لقد علمت بان دين محمد من خير اديان البرية دينا». يعنى: هر آينه دانسته ام كه دين محمد بهترين دينى است كه براى بشريت آمده است

ابن ابي الحديد در اين باره مي نويسد: « ابوطالب غالباً در مورد شبيخون دشمن و آسيب رساني شبانه به پيامبر (ص) در هراس بود شب از خواب بر مي خاست و پسرش علي را در بستر پيامبر (ص) مي خوابانيد.»

لیلة المبیت

پس از آنکه شهر مکه دیگر جای مناسبی برای تبلیغ دین اسلام نبود و با وجود تهدیدات صورت گرفته از سوی قریش، نیاز بود تا رسول خدا (ص) برای تبلیغ دین اسلام شهر دیگری را انتخاب کنند. در سال یازدهم هجری، چند نفر از مردم شهر یثرب اسلام آوردند و سال بعد عده‌ای از این تازه مسلمانان در عقبه، با رسول خدا (ص) پیمان بستند و سال بعد از آن 72 نفر مرد و زن مسلمان یثرب پیمان [عقبه دوم](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%87%D8%AC%D8%B1%D8%AA_%D8%A8%D9%87_%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) را با رسول خدا بستند و در آن پیمان از رسول خدا (ص) خواستند تا همراه آنها به یثرب هجرت کند.

زمانی که قریش از تصمیم مسلمانان و پیامبر اسلام (ص) برای [هجرت به مدینه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%87%D8%AC%D8%B1%D8%AA_%D8%A8%D9%87_%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) آگاه شدند، جلسه ای در دارالندوه تشکیل دادند و در آن جلسه تصمیم بر قتل رسول خدا (ص) گرفتند. اما حضرت توسط جبرائیل از نقشه شوم قریش آگاه شدند و مسمم شدند تا همان شب از مکه خارج شوند. برای آنکه قریشیان از فرار رسول خدا (ص) آگاه نشوند، ایشان از امیرالمؤمنین علی (ع) خواستند تا به جای ایشان در بستر حضرت بخواند و جان خود را در این راه به خطر بیاندازند. این فداکاری حضرت در آن شب به [لیلة المبیت](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%84%DB%8C%D9%84%D8%A9_%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%A8%DB%8C%D8%AA) معروف گشت.

هجرت به مدینه

پیش از آنکه رسول خدا (ص) از مکه هجرت کنند به امیرالمؤمنین امر کردند تا پس از خارج شدن ایشان از مکه، سه روز در مکه بمانند و امانت هایی که نزد رسول خدا (ص) داشتند را به صاحبانشان برگردانند و سپس به همراه دخترشان حضرت فاطمه (س)، فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب و دیگر کسانی که موفق به هجرت نشده بودند، از مکه به مدینه هجرت کنند. کفار قریش وقتی خبر هجرت علی علیه السلام را شنیدند، به دنبالش شتافتند تا در نزدیکی ضجنان به آنها رسیدند. امیرالمؤمنین با دفاعی جانانه آنها را مجبور به فرار کرد.

امیراالمؤمنین خود روایت می کنند: چون پيامبر خدا براى هجرت به مدينه [ از مكّه ] خارج شد، به من فرمان داد كه پس از او [ در مكّه ]بمانم تا امانت هايى را كه از مردم، نزد او بود و بدان سببْ «امين» ناميده مى شد، بازگردانم. سه روز [براى بازگرداندن امانت ها در مكّه ]ماندم و حاضر و بيدار بودم و يك روز هم غايب نشدم. سپس حركت كردم و مسير پيامبر خدا را پيمودم تا بر [ محلّه ]بنى عمرو بن عوف ـ كه پيامبر خدا در آن جا اقامت گزيده بود ـ وارد شدم و در خانه كلثوم بن هِدم ـ كه اقامتگاه پيامبر صلى الله عليه و آله بود ـ اقامت كردم. [[۳۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-33)

حضرت علی علیه السلام در جنگ ها و غزوات صدر اسلام

پس از هجرت به [مدینه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) [غزوات](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%B5%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85) پیامبر با مشرکین و [منافقین](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%86%D9%81%D8%A7%D9%82) و اهل کتاب آغاز شد. قصه دلاوری های حضرت علی علیه السلام در این جنگ ها فراوان است. امیرمؤمنان (ع) در بیست و شش غزوه از غزوات پیامبر شرکت کردند و فقط در [غزوه تبوک](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%AA%D8%A8%D9%88%DA%A9) به فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه اقامت گزیدند و از شرکت در جنگ بازماندند، زیرا بیم آن می رفت که منافقان مدینه در غیاب پیامبر شورش کنند و زمام امور را در مرکز اسلام (مدینه) بدست گیرند. برخی از افتخارات، دلاوری ها و فداکاری های امیرالمؤمنین (ع) در این جنگ ها عبارتند از:

* پرچم داری سپاه اسلام در تمام غزوات. ابن عباس مي‌گويد: «او (امیرالمؤمنین علی (ع))چهار خصلت دارد كه جز او كسي آنها را دارا نيست. اولين كسي است كه با رسول خدا (ص) نماز خوانده پرچمدار پيامبر در هر جنگي بوده و كسي است كه در روز احد ‌ايستاگي كرد و ساير مردم فرار نمودند و اوست كه پيامبر (ص) را داخل قبر كرد. [[۳۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-34) »
* کشتن بسیاری از سران مشرکان قریش در [غزوه بدر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%A8%D8%AF%D8%B1)
* کشتن پرچمداران قریش در [غزوه احد](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%A7%D8%AD%D8%AF) و دفاع جانانه از رسول خدا (ص) پس از فرار مسلمانان از میدان جنگ و بیان عبارت «لا سیف الا ذوالفقار لا فتی الا علی» در وصف حضرت
* کشتن سؤقصد کنندگان به جان رسول خدا در [غزوه بنی نضیر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%A8%D9%86%DB%8C_%D9%86%D8%B6%DB%8C%D8%B1)
* کشتن عمرو بن عبدود در [غزوه احزاب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8) که رسول خدا (ص) آن را از عبادت جن و انس برتر دانستند.
* فتح قلعه قموص از قلعه های یهودیان خیبر پس از ناکامی دیگر مسلمانان در فتح آن و کشتن مرحب و برادرش در [غزوه خیبر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%AE%DB%8C%D8%A8%D8%B1) و کندن در قلعه قموص
* پیروزی در نبرد با مشرکانی که قصد حمله به مدینه را داشتند در [سریه ذات السلاسل](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D9%87_%D8%B0%D8%A7%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D8%B3%D9%84) و نزول سوره عادیات در وصف این پیروزی حضرت
* شکستن بت های درون کعبه به همراه رسول خدا (ص)
* ایستادگی در [غزوه حنین](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%AD%D9%86%DB%8C%D9%86) و محافظت از جان رسول خدا (ص) پس از فرار مسلمانان از جنگ
* جانشین رسول خدا (ص) در [غزوه تبوک](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%B2%D9%88%D9%87_%D8%AA%D8%A8%D9%88%DA%A9) در مدینه. در این غزوه به دلیل دوری بیش از حد تبوک از مدینه احتمال توطئه منافقان مدینه می رفت.
* رفتن به یمن به دستور رسول خدا (ص) و دعوت مردم آنجا به اسلام و اسلام آوردن بسیاری از قبایل یمنی به دست حضرت

تعیین علی علیه السلام به جانشینی پیامبر در روز غدیر

اواخر عمر شریف رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسلمین را فرمان دادند تا همراه ایشان در آخرین [حج](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AC) رسول خدا شرکت کنند. در راه بازگشت در منطقه ای به نام غدیر (جایی که کاروانیان از هم جدا می شدند) آیه ای نازل شد. «يَأَيهَُّا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَايهَْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِين». ([سوره مائده](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%85%D8%A7%D8%A6%D8%AF%D9%87)، آیه 67)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان توقف دادند و در آن جا خطبه معروف [غدیر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AE%D8%B7%D8%A8%D9%87_%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1) را قرائت فرمودند و حضرت علی علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی نمودند. خود حضرت در این باره می فرمایند: پیامبر خدا به قصد [حجة الوداع](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AC%D8%A9_%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B9) بیرون آمد. سپس (در بازگشت)، به [غدیرخم](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1%D8%AE%D9%85) رسید. به دستور او برایش چیزی شبیه منبر ساختند. سپس از آن، بالا آمد و بازوی مرا گرفت (و بالا برد)، تا آن جا که سفیدی زیر بغلش دیده شد و با صدای بلند، در همان جایگاه گفت: «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. خدایا! دوستدارش را دوست و دشمنش را دشمن بدار!».

پس با ولایت من، ولایت خدا و با دشمنی با من، دشمنی با خدا محقق می شود. خداوند عزوجل در آن روز، نازل کرد: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمْ فَلاَ تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا». (سوره مائده، آیه 3) پس، ولایت من مایه کمال دین و رضایت پروردگار بلند مرتبه است. [[۳۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-35)

سقیفه و غصب خلافت پیامبر

در 28 [صفر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B5%D9%81%D8%B1) سال 13 هجری مصیبت عظمای شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله واقع شد و هنوز جسم مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دفن نگردیده بود که عده ای بدون توجه به تعیین الهی امام علی علیه السلام به جانشینی پیامبر اکرم (ص)، در مکانی که به نام [سقیفه بنی ساعده](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D9%82%DB%8C%D9%81%D9%87_%D8%A8%D9%86%DB%8C_%D8%B3%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87) جمع شدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: به خدا سوگند که «فلان» خلافت را چون جامه اى بر تن کرد و نیک مى دانست که پایگاه من نسبت به آن چونان محور است به آسیاب. سیل ها از من فرو مى ریزد و پرنده را یاراى پرواز به قله رفیع من نیست. [[۳۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-36)

امیرالمؤنین (ع) بلافاصله پس از شهادت رسول خدا (ص) به جمع آوری قرآن پرداختند و پس از اتمام آن، دست به اعتراضاتی علیه غاصبان خلافت زدند. از جمله این اعتراضات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

* بیعت نکردن با ابوبکر به عنوان جانشین رسول خدا (ص) تا زمان شهادت حضرت زهرا (سلام الله عیها)
* تحصن در خانه خویش به همراه همسر، فرزندان و اصحاب رسول خدا (ص) که به انتخاب ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر (ص) اعتراض داشتند. این تحصن با خشونت های انجام شده توسط غاصبان خلافت شکسته شد.
* به همراه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حسنین (علیهماالسلام)با انصار مدینه و شرکت کنندگان در غزوه بدر اتمام حجت کردند و آنان را به یاری خویش و وفای عهدی که در غدیر خم با رسول خدا (ص) بسته بودند، دعوت کردند که جز چهار نفر کس دیگر پاسخ نداد.

حضرت به دلایل زیر خانه نشینی را انتخاب کردند:

* عدم یاری مسلمانان به جز چند نفر: حضرت وقتی دیدند مردم او را رها کردند و به سوی دنیا روآوردند، با آن که می توانستند با آنان درافتند و حقی را که از آن ایشان است بازستانند، لب فروبستند و چیزی نگفتند، چنان چه خودشان فرمودند: به صبر گراییدم حالی که در چشمانم خار بود و در گلویم استخوان و می دیدم که میراثم به غارت می رود. [[۳۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-37)
* جلوگیری از نفاق و دودستگی میان مسلمانان که موجب نابودی دین اسلام می شد.
* وجود خطرات خارجی مانند متنبیان و دشمنان اسلام: حضرت علی علیه السلام می فرمودند: می دانید سزاوارتر از دیگران به خلافت منم به خدا سوگند بدان چه کردید گردن می نهم، چندان که مرزهای مسلمانان ایمن بود و کسی را جز من ستمی نرسد. من خود این ستم را پذیرفتم و اجر این گذشت و فضیلتش را چشم می دارم و به زر و زیوری که بدان چشم دوخته اید دیده نمی گمارم. [[۳۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-38)
* حفظ جان خویش و اصحاب خاصش که در صورت ادامه مبارزات علیه دستگاه خلافت ممکن بود به سرانجام [سعد بن عباده](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B3%D8%B9%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D9%87) دچار شوند.

البته با وجود دلایل بالا حضرت هرگاه که فرصت می یافتند، اعتراض خویش را نسبت به حق غصب شده از ایشان ابراز می کردند.

امیرالمؤمنین (علیه اسلام) در زمان خلفا

رویکرد امیرالمؤنین در برخورد با خلفا به دو صورت بود:

* اگر خطری اسلام و مسلمین را تهدید می کرد و یا تصمیم اشتباهی از جانب خلفا موجب انحراف بیشتر در دین می شد، ایشان صرفاً به عنوان یک مشاور به خلفا مشورت می دانند تا اسلام بیش از این نابود نشود. مانند مشورت نظامی حضرت در نحوه مقابله با سپاه ایران در جنگ نهاوند یا کمک به خلفا در تصحیح برخی از احکام دینی که به اشتباه صادر می کردند.
* اگر کمک حضرت به خلفا موجب بالارفتن موقعیت این افراد در نزد مسلمین می شد و یا در جهت تامین منافع آنان بود از دادن کمک به آنها خودداری می کردند. مانند عدم همراهی عمر در سفر به شام که موجب شکایت عمر به ابن عباس شد.

البته این مشورت ها در طول مدت 25 سال خانه نشینی حضرت بسیار محدود است[[۳۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-39) و بیشتر مربوط به زمان عمر بن خطاب می باشد. در بسیاری از موارد زمانی که خلفا از دادن حکمی فقهی و قضایی درمانده می شدند یا قادر به پاسخگویی سؤالات مردم و بعضاً اهل کتاب نبودند، اینان را به نزد امیرالمؤمنین (علیه اسلام) می فرستادند.

فعالیت های امام در دوران غاصبان خلافت

فعالیت های امام علیه السلام در این دوره در امور زیر خلاصه می شد:

1. [عبادت](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%AA) خدا آن هم به صورتی که در شأن شخصیتی مانند حضرت علی علیه السلام بود؛ تا آن جا که [امام سجاد](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B3%D8%AC%D8%A7%D8%AF) علیه السلام عبادت و تهجد شگفت انگیز خود را در برابر عبادت های جد بزرگوار خود ناچیز می دانست.
2. پاسخ به پرسش های دانشمندان ملل و نحل دیگر، بالاخص یهودیان و مسیحیان که پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای تحقیق درباره ی [اسلام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85) رهسپار [مدینه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) می شدند و سؤالاتی مطرح می کردند که پاسخگویی جز حضرت علی علیه السلام، پیدا نمی کردند. اگر این خلا به وسیله ی امام علیه السلام پر نمی شد جامعه ی اسلامی دچار سرشکستگی شدیدی می شد.
3. بیان حکم بسیاری از رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت و در مورد آن ها نصی در [قرآن مجید](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86_%D9%85%D8%AC%DB%8C%D8%AF) و حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در دست نبود. قسمتی از داوری های امام علیه السلام و استفاده های ابتکاری و جالب وی از آیات در کتاب های [حدیث](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB) و تاریخ منعکس است.
4. تربیت و پرورش گروهی که ضمیر پاک و [روح](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D9%88%D8%AD) آماده ای برای [سیر و سلوک](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%B3%DB%8C%D8%B1_%D9%88_%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9&action=edit&redlink=1) داشتند، تا در پرتو رهبری و تصرف معنوی امام علیه السلام بتوانند قله های کمالات معنوی را فتح کنند و آن چه را که با دیده ی ظاهر نمی توان دید با دیده ی دل و چشم باطنی ببینند.
5. کار و کوشش برای تأمین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان؛ تا آن جا که امام علیه السلام با دست خود باغ احداث می کرد و [قنات](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%AA&action=edit&redlink=1) استخراج می نمود و سپس آن ها را در راه خدا وقف می کرد.

در دوران ابوبکر

* مناظره با دانشمندان بزرگ یهود. [[۴۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-40)
* پاسخ قانع کننده به دانشمند مسیحی. [[۴۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-41)
* داوری حضرت علی درباره یک مرد شرابخوار. [[۴۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-42)

در دوران عمر

در زمان خلافت خلیفه دوم، هرگاه که مشکلی او را در مانده می کرد و کسی قادر به پاسخگویی آن نبود، به نزد امیرالمؤنین علیه اسلام می رفت. خلیفه دوم در این باره می گوید: «ى ابو الحسن! من از زندگى با كسانى كه تو در ميانشان نباشى، به خدا پناه مى برم[[۴۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-43). » و یا در جایی دیگر می گوید: «اگر على نبود، عمر هلاك مى شد[[۴۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-44). »از جمله این مشورت ها عبارت اند از:

* مشورت درباره نحوه مقابله با سپاه عظیم ایران در [جنگ نهاوند](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D9%86%D9%87%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF&action=edit&redlink=1) . [[۴۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-45)
* مشورت در فتح بیت المقدس. [[۴۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-46)
* تعیین مبدأ تاریخ اسلام که حضرت. سعيد بن مُسَيَّب نقل می کند: «عمر، مردم را گرد آورد و از آنان پرسيد: تاريخ، از چه روزى نوشته شود؟على بن ابى طالب عليه السلام فرمود: «از روزى كه پيامبر خدا هجرت كرد و سرزمين شرك را ترك نمود. »و عمر نيز چنين كرد. [[۴۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-47)»
* تقسیم زمین های کوفه[[۴۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-48)

شورای شش نفره خلافت

در سال 23 هجری فیروز غلام ایرانی مغیرة بن شعبه، عمر بن خطاب را مضروب ساخت. عمر تنها چند روز پس از این ضربت زنده ماند اما پیش از مرگ خود، [شورایی شش نفره](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D8%B4%D8%B4_%D9%86%D9%81%D8%B1%D9%87_%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%AA) متشکل از امام علی (علیه اسلام)، [عثمان بن عفان](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%86)، [زبیر بن عوام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B2%D8%A8%DB%8C%D8%B1_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%85)، [طلحة بن عبیدالله](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B7%D9%84%D8%AD%D8%A9_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87)، [عبدالرحمن بن عوف](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%B1%D8%AD%D9%85%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D9%88%D9%81&action=edit&redlink=1) و [سعد بن ابی وقاص](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%B3%D8%B9%D8%AF_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D9%88%D9%82%D8%A7%D8%B5&action=edit&redlink=1) تشکیل داد و به آنها دستور داد تا یک نفر را از بین خود به عنوان خلیفه انتخاب کنند. سعد از ابتدا رأی خود را به عبدالرحمان واگذار کرد. زبیر به طرفداری از علی (ع) از نامزدی خلافت انصراف داد. عبدالرحمان اعلام کرد که خواستار خلافت نیست. طلحه که پسرعموی ابوبکر و مخالف علی (ع) بود، به طرفداری از عثمان کنار رفت. بنابراین فقط علی (ع) و عثمان نامزد خلافت بودند [[۴۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-49) و رأی و نظر عبدالرحمن بسیار حائز اهمیت شد.

عبدالرحمن‌ بن عوف پس از ۳ روز رایزنی با مردم، به‌ویژه اشراف و امرا، ابتدا از علی (ع) خواست تا متعهد شود که در صورت نیل به مقام خلافت، به کتاب خدا، سیره پیامبر (ص) و ابوبکر و عمر عمل کند. علی (ع) در جواب گفت: «امید آن دارم که در محدوده دانش، توانایی و اجتهاد خود به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) عمل کنم». سپس عبدالرحمن شرط خود را با عثمان در میان گذاشت و او بلافاصله پذیرفت. به همین جهت، ابن‌ عوف با عثمان بیعت کرد.

دوران عثمان

همکاری های امام با عثمان کم تر از دو خلیفه دیگر بود و بیشتر محدود به پاسخگویی سؤالات اعتقادی و احکام می شد. همجنین عثمان نسبت به عمر کمتر از مشورت های امام استفاده می کرد و بیشتر به نصیحت خویشاوندان اموی خویش گوش می داد.

شورش مسلمانان علیه عثمان

در سال 35 هجری مسلمانان معترض به سیاست های [عثمان بن عفان](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%86) و ظلم و ستم های کارگزاران وی در مدینه گردهم آمدند و خواستار اصلاح امور و یا عزل خلیفه شدند. عثمان که بسیار ترسیده بود، از حضرت علی (علیه اسلام) کمک خواست تا حضرت معترضان را آرام کنند. در ابتدا حضرت به شرط توبه عثمان از کارهای گذشته خویش، عزل کارگزاران ظالم و کوتاه کردن دست آنها از بیت المال مسلمین و اصلاح امور و عمل به قرآن و بازگشت به سیره رسول خدا (ص) حاضر به کمک به وی شدند و پیمانی میان عثمان و معترضان امضا کردند. [[۵۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-50) همچنین عثمان در خطبه ای که در میان انصار و مهاجران در مسجد پیامبر (ص) خواند، ندامت و پشیمانی خویش را به مردم اعلام کرد. اما با کارشکنی های نزدیکانش به خصوص [مروان بن حکم](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D9%86_%D8%AD%DA%A9%D9%85) دوباره آتش شورشیان شعله ور شد و دگر بار به مدینه آمدند و به کمک انصار و مهاجرین خانه عثمان را محاصره کردند و حتی آب را نیز بر او بستند که با تلاش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، آب به عثمان رسید. در نهایت شورشیان از طریق خانه همسایه عثمان به او حمله کردند و او را در ذی الحجه سال 35 کشتند.

خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

بیعت مردم با حضرت

پس از کشته شدن عثمان مخالفان او که شامل انصار و مهاجران مخالف قریش، مصریان و کوفیان بودند، همگی بر خلافت امیرالمؤمنین (علیه اسلام) اتفاق نظر داشتند. حضرت خود در این باره می فرمایند: «آن گاه چيزى مرا به وحشت نينداخت جز اينكه مردم همانند يال كفتار بر سرم ريختند، و از هر طرف به من هجوم آورند، به طورى كه دو فرزندم در آن ازدحام كوبيده شدند، و ردايم از دو جانب پاره شد، مردم چونان گله گوسپند محاصره ام كردند. [[۵۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-51)»بيعت مردم با امام، در روز جمعه هيجدهم ذى الحجة الحرام سال ۳۵ هجرى بوده است. [[۵۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-52)

در ابتدا حضرت از پذیرش امر خلافت سرباز می زدند. ایشان خطاب به مردم فرمودند: «مرا رها سازيد و ديگرى را بجوييد. به درستى كه حوادثى چند پهلو و چند رنگ در پيش داريم كه دل ها بر آن پايدار، و انديشه ها در آن، استوار نمى مانَد»[[۵۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-53). از جمله دلایل این عدم پذیرش می توان موارد زیر را اشاره کرد:

1. چون امام زمام امور را به دست گيرد، با تحريف ها مبارزه خواهد كرد و در جهت نمودنِ چهره راستين دين از پسِ غبار تحريف، خواهد كوشيد و اين همه، بسى تنش هاى سياسى و اجتماعى به همراه خواهد داشت.
2. عدم توجه امام به منافع نخبگان سیاسی آن زمان به خصوص قریش مانند طلحه و زبیر و مبارزه آنان با امام
3. آگاهی از شرایط اجتماعی آن زمان و اینکه مردم او را در جهت اصلاحات علوی خویش یاری نخواهند داد.

پس از آنکه امام خلافت را پذیرفتند، فرمودند: «پس (بیعت)در مسجد؛ چرا كه بيعت من، پنهانى نخواهد بود و جز در مسجد، انجام نخواهد شد». سپس مردم برای بیعت به مسجد پیامبر (ص) رفتند. طلحة بن عبیدالله اولین کسی بود که با امام بیعت کرد. [[۵۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-54). و سپس مردم دسته دسته آمدند و باامیرالمؤمنین بیعت کردند و حضرت اولین خلیفه ای در اسلام بودند که تمام مردم در انتخاب ایشان شرکت داشتند.

سیاست های حکومتی

در زمان خلفای پیش از حضرت اقدامات اشتباه زیادی توسط آنان صورت گرفت که موجب شد، دین اسلام از مسیر اصلی خود خارج شود. به همین دلیل حضرت دست به یک سری اصلاحات زدند تا بتوانند، از انحرافات بیشتر جلوگیری کنند و اسلام را به مسیر اصلی خویش بازگردانند. [[۵۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-55)این اصلاحات در بخش های متعددی صورت گرفت که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

* اصلاحات و سیاست های اداری:
1. گزینش کارگزاران شایسته و برکناری کارگزاران بی لیاقت و به کار نگرفتن خائنان و ناتوانان
2. برنامه ریزی و سازماندهی: حضرت در نامه معروف خویش به مالک اشتر می نویسند: «كار هرروز را در همان روز انجام بده؛ چرا كه هر روز، كار خود را دارد. . . از شتاب در كارهايى كه هنگام انجام دادن آن نرسيده، و از سستى در آن وقتى كه انجام دادنش ممكن گرديده، يا اصرار بى جا به هنگامى كه ناشناخته و مبهم است، و يا سستى به هنگامى كه روشن و آشكار است، بپرهيز! هر كارى را در جاى آن بِنه و هر كارى را به هنگام آن، بگزار[[۵۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-56)»
3. قانون مداری
4. برگزيدن ديده بان براى مراقبت از كارگزاران و گشاده دستی در روزی کارگزاران: حضرت در نامه به مالک می نویسند: «آن گاه بر آنان (کارگزاران) روزى را فراوان ساز؛ چرا كه اين، نيرويى است براى اصلاح نفس آنان، و سبب بى نيازى است براى آنها، تا به مالى كه در اختيار دارند، دست نگشايند، و حجّتى است بر آنها، اگر فرمانت را نپذيرفتند يا در امانت، خيانت ورزيدند »[[۵۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-57)

از جمله برخی از کارگزاران حضرت می توان به افراد زیر اشاره کرد:

* سیاست ها و اصلاحات اقتصادی:
1. آبادانی شهرها: حضرت در این باره به حکمرانان خویش می فرمایند: «برترى حكمران، در آبادانى شهرهاست. [[۵۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-58)»
2. توسعه کشاورزی: از امام باقر عليه السلام روایت شده است كه على عليه السلام به فرماندهان لشكر مى نوشت «شما را به خدا سوگند كه مبادا كشاورزان، از جانب شما مورد ستم واقع شوند[[۵۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-59)». همچنین از حضرت روایت شده است که: «خداوندِ سبحان، بندگانش را به آبادانى زمين، فرمان داده است تا گذرانِ زندگى شود با آنچه از زمين مى رويد از دانه ها، ميوه ها و مانند آن از چيزهايى كه خداوند، سبب گذرانِ زندگى بندگان قرار داده است. [[۶۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-60)»
3. توسعه صنعت و تجارت: حضرت خطاب به مردم می فرمایند: «به تجارت بپردازيد كه تجارت، سبب بى نيازى شماست از آنچه در دست ديگران است. [[۶۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-61)» و یا می فرمایند: «حرفه آدمى گنج است. [[۶۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-62)»
4. بازرسی مستقیم بازار و جلوگیری از احتکار
5. تقسيم برابر ثروت هاى عمومى و به تأخير نينداختن تقسيم آنها
6. حمايت از طبقه هاى پايين جامعه
* سیاست ها و اصلاحات فرهنگی:
1. توسعه آموزش و پرورش: حضرت خطاب به قثم بن عباس حاکم مکه می فرمایند: « بامداد و شامگاه برايشان بنشين، به استفتاكنندگان فتوا ده، نادان را تعليم كن، و با دانشمند، مذاكره نما. [[۶۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%22%20%5Cl%20%22cite_note-63)»در منابع تاریخی نیز آمده است که هرگاه حضرت در جنگ فراغت پيدا مى كرد، به آموزش مردم و داورى در ميان آنان مى پرداخت.
2. بازداشتن از برهم زدن سنّت هاى پسنديده و ستيز با سنّت هاى ناپسند
3. توجه به انتقاد و بی توجهی به ستایش کردن[[۶۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-64)

جنگ های دوران خلافت امیرالمؤمنین

حضرت در خلافت چهار سال و نه ماهه خویش سه بار به پیکار با دشمنان خویش رفت. این پیکارها عبارتند از:

1. [جنگ جمل](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%AC%D9%85%D9%84) در سال 36 هجری با [ناکثین](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%86%D8%A7%DA%A9%D8%AB%DB%8C%D9%86)
2. [جنگ صفین](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%B5%D9%81%DB%8C%D9%86) در سال 37 هجری با [قاسطین](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B3%D8%B7%DB%8C%D9%86)
3. [جنگ نهروان](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D9%86%D9%87%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86) در سال 38 هجری با [مارقین](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%82%DB%8C%D9%86)

علت [جنگ جمل](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%AC%D9%85%D9%84) (جنگ با ناکثین) آن بود که [طلحه](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B7%D9%84%D8%AD%D9%87) و [زبیر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B2%D8%A8%DB%8C%D8%B1) از این که در حکومت علی علیه السلام به استانداری منطقه ای منصوب شوند مأیوس و نومید شدند. از طرف دیگر، از جانب [معاویه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%88%DB%8C%D9%87) به هر دو نفر نامه ای، تقریباً به یک مضمون، رسید که آنان را به «امیرالمؤمنین» توصیف کرده و یادآور شده بود که از مردم [شام](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B4%D8%A7%D9%85) برای آن دو [بیعت](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A8%DB%8C%D8%B9%D8%AA) گرفته است و باید هر چه زودتر شهرهای [کوفه](http://wiki.ahlolbait.com/%DA%A9%D9%88%D9%81%D9%87) و [بصره](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A8%D8%B5%D8%B1%D9%87) را اشتغال کنند، پیش از آن که فرزند [ابوطالب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8) بر آن دو مسلط شود و شعار آنان در همه جا این باشد که خواهان خون عثمان هستند و مردم را بر گرفتن انتقام او دعوت کنند.

این دو صحابی ساده لوح فریب نامه ی معاویه را خوردند و تصمیم گرفتند که از [مدینه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87) به [مکه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%DA%A9%D9%87) بروند و در آنجا به گردآوری افراد و ساز و برگ جنگ بپردازند و همسر [رسول خدا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) صلی الله علیه و آله همراه آنان سوار بر شتر سرخ مو عازم جنگ شد. عایشه می گفت: مردم! عثمان به ناحق کشته شده است و من انتقام خون او را می گیرم. [[۶۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-65)

جنگ جمل در یک درگیری یک روزه اما سخت با دادن کشته بسیار از هر دو طرف و با شکست ناکثین پایان یافت و امام عایشه را به همراه برادرش محمد بن ابی‌بکر به بصره و از آنجا توسط شماری زن و مرد بصری به مدینه فرستاد.[[۶۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-66)

پس از جنگ جمل، حضرت [کوفه](http://wiki.ahlolbait.com/%DA%A9%D9%88%D9%81%D9%87) را به عنوان مرکز خلافت برگزید و از آنجا که می دانست شورش پیمان شکنان گناهی است از گناهان معاویه که آنان را به نقض میثاق تشویق کرده با سپاهی عظیم از کوفه حرکت فرمود و در بیابان صفین با معاویه برخورد کرد. و به این ترتیب، نبردی سخت و طولانی بین سپاه عراق و شام درگرفت.

[جنگ صفین](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%B5%D9%81%DB%8C%D9%86) هر چند به سود امام علیه السلام پیش رفت ولی به علت جهالت عده ای و فریبکاری [عمروعاص](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B9%D8%A7%D8%B5) کار به حکمیت کشید. در حکمیت هم [ابوموسی اشعری](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D9%85%D9%88%D8%B3%DB%8C_%D8%A7%D8%B4%D8%B9%D8%B1%DB%8C) حکم امام علیه السلام که خلاف میل ایشان انتخاب شده بود جهالت کرد و خلافت به عهده معاویه افتاد.

پس از جنگ صفین جهالی که تن به حکمیت دادند گفتند [گناه](http://wiki.ahlolbait.com/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87) کرده ایم و [توبه](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AA%D9%88%D8%A8%D9%87) کردیم، علی علیه السلام نیز باید توبه کند. سپس در محلی به نام نهروان جمع شدند و شروع به ایجاد اخلال در کار امام علیه السلام نمودند. تلاش امام علیه السلام برای هدایتشان بی فایده بود، بنابراین لشگری را عازم جنگ با آنان کردند که در نهایت با شکست [خوارج](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AC) پایان یافت.

بخشی از فضایل و سیره امیرالمومنین علیه السلام

[بریده اسلمی](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D9%85%DB%8C&action=edit&redlink=1) نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند سلام کنید بر علی علیه السلام به عنوان امیرالمومنین، عمر پرسید: آیا این فرمان از جانب خداست یا رسولش؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از جانب خدا و رسولش. [[۶۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-67)

[عکرمه](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%B9%DA%A9%D8%B1%D9%85%D9%87&action=edit&redlink=1) از [ابن عباس](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3) نقل می کند که گفت: در قرآن آیه ای به این تعبیر «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» وجود ندارد مگر این که علی علیه السلام امیر آن و شریف آن است و از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله کسی نیست مگر این که خداوند او را مورد عتاب قرار داده اما علی علیه السلام را جز به نیکی یاد نکرده است. [[۶۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-68)

محمد بن منصور گفت، از احمد بن حنبل شنیدم که گفت: برای هیچ یک از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فضایلی بیشتر از آن چه برای علی بن ابی طالب علیه السلام آمده، نقل نشده است. این سخن را حاکم نیز از [ابن حنبل](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%AD%D9%86%D8%A8%D9%84&action=edit&redlink=1) نقل کرده: [[۶۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-69)

چنان که [ابن ابی الحدید](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AF) در شرح [نهج البلاغه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%86%D9%87%D8%AC_%D8%A7%D9%84%D8%A8%D9%84%D8%A7%D8%BA%D9%87) می گوید: همه مردم اجماع کردند بر این که احدی از صحابه و علماء نگفته سلونی قبل ان تفقدونی مگر علی بن ابیطالب علیه السلام.

علی علیه السلام چهار درهم پول داشت یکی را در موقع شب [انفاق](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%86%D9%81%D8%A7%D9%82) نمود و یکی را در روز و یک درهم آشکارا و یک درهم در نهان آن گاه این آیه نازل شد که مفسرین شأن نزول آن را در مورد انفاق آن حضرت نوشته اند: «الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا و علانیة فلهم اجرهم عند ربهم و لاخوف علیهم ولا هم یحزنون». [[۷۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-70)

حضرت علی علیه السلام به عثمان بن حنیف می فرمود: من در خوراک و پوشاک طوری هستم که اگر فقیرترین مردم مرا ببیند می تواند در برابر فقر و فاقه خود صبور و شکیبا باشد زیرا وقتی امام خود را چنین ببیند از وضع و حال خود راضی می شود. و باز می فرمود من می دانم که کسی مثل من نمی تواند زندگی کند اما هر وقت نان و خورشی خواستی به سرکه و یا نمک اکتفاء کن و اگر از این برتر خواستی. به سبزی و یا کمی شیر شتر قناعت نما و گوشت بسیار کم بخور و می فرمود: لاتجعلوا بطونکم مقابر الحیوان؛ شکمهایتان را گورستان حیوانات قرار می دهید. [[۷۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-71)

من که امام شما هستم بدو جامه کهنه و دو قرص نان اکتفاء کرده ام در صورتی که می توانم از جامه های حریر لباسی فاخر بپوشم و از عسل مصفی و مغز گندم غذای لذیذ و مقوی تناول کنم ولی هیهات که هوی و هوس نفس بر من غلبه نماید! آیا به همین قناعت کنم که گویند من امام و خلیفه هستم اما در اندوه و پریشانی فقرا شرکت نکنم؟ [[۷۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-72)

بخشی از نامه حضرت به مالک: قلبا با مردم مهربان باش و با آن ها با دوستی و ملاطفت رفتار کن و مبادا با آنان چون حیوان درنده باشی که خوردن آن ها را غنیمت داند زیرا آنان دو گروهند یا برادر دینی تواند و یا (اگر همکیش تو نیستند) مانند تو مخلوق خدا هستند.

خلیفه ی دوم: ای کاش سه فضیلتی که نصیب علی علیه السلام شد نصیب من شده بود، و آن سه فضیلت عبارتند از: پیامبر دختر خود را در عقد علی درآورد، تمام درهایی را که به مسجد باز می شد بست، جز در خانه ی علی علیه السلام، در [جنگ خبیر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%AE%D8%A8%DB%8C%D8%B1) پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را بدست علی علیه السلام داد. [[۷۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-73)

امیرمؤمنان علیه السلام تمام آیات [قرآن](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86) را، چه آن ها که در [مکه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%DA%A9%D9%87) نازل می شد و چه آن ها که در [مدینه](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87)، در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به دقت ضبط می کردند و از این جهت یکی از کاتبان [وحی](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%88%D8%AD%DB%8C) و حافظان قرآن بشمار می رفتند. همچنین در تنظیم اسناد سیاسی و تاریخی و نامه های تبلیغی، که هم اکنون متن بسیاری از آن ها در کتاب های سیره و تاریخ مضبوط است، آن حضرت نخستین دبیر اسلام بشمار می رود، حتی صلحنامه ی تاریخی حدیبیه به املای پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام تنظیم شد.

درباره [جنگ احد](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%A7%D8%AD%D8%AF)، [ابن اثیر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%AB%DB%8C%D8%B1) در تاریخ خود می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله از هر طرف مورد هجوم دسته هایی از لشکر قریش قرار گرفت. هر دسته ای که به آن حضرت حمله می آوردند حضرت علی علیه السلام به فرمان پیامبر به آن ها حمله می برد و با کشتن بعضی از آن ها موجبات تفرقشان را فراهم می کرد و این جریان چند بار در احد تکرار شد.

به پاس این فداکاری، امین وحی نازل شد و ایثار حضرت علی علیه السلام را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ستود و گفت: این نهایت فداکاری است که او از خود نشان می دهد. [رسول خدا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) صلی الله علیه و آله امین وحی را تصدیق کرد و گفت: من از علی و او از من است. سپس ندایی در میدان شنیده شد که مضمون آن چنین بود: «لاسیف الا ذوالفقار، ولافتی الا علی».

بعضی آیات نازله در شان امیرالمومنین علیه السلام

* آیه «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب». [[۷۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-74)

کافران رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار کرده و گفتند تو پیغمبر نیستی این آیه در پاسخ آنان به حضرتش نازل شد که بگو (من برای [رسالت](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%AA) خود دو شاهد دارم یکی) خدا است که برای شهادت میان من و شما کافی است و دیگری کسی است که علم کتاب در نزد اوست. ثعلبی در تفسیر آیه مزبور می نویسد آن که علم کتاب در نزد اوست علی بن ابیطالب علیه السلام است.

همچنین [ابوسعید خدری](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%B3%D8%B9%DB%8C%D8%AF_%D8%AE%D8%AF%D8%B1%DB%8C&action=edit&redlink=1) گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم آن کس که علم کتاب در نزد اوست کیست؟ فرمود: آن کس برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام است.

[شیخ سلیمان بلخی](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%B4%DB%8C%D8%AE_%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D9%84%D8%AE%DB%8C&action=edit&redlink=1) از [ابن عباس](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3) نقل می کند که گفت آن که علم کتاب در نزد اوست علی علیه السلام است زیرا او به تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ آن عالم بود.

* «وقفوهم انهم مسئولون»؛ آن ها را نگهدارید که مورد سؤال خواهند بود. [[۷۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-75)

ابوسعید خدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن چه مورد سؤال خواهد بود ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام است. [[۷۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-76)

* آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعا»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید. [[۷۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-77)

صاحب کتاب مناقب الفاخرة از عبدالله بن عباس روایت کرده است که ما در خدمت [رسول خدا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) صلی الله علیه و آله بودیم عربی آمد و عرض کرد: یا رسول الله شنیدم که می فرمودی «اعتصموا بحبل الله» حبل خدا کدام است؟ که به او تمسک جوئیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود: به این شخص تمسک جوئید که این حبل المتین است. [[۷۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-78)

* آیه «ثم لتسألن یومئذ عن النعیم»؛ آن گاه در آن روز از نعمت ها پرسیده شوند. [[۷۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-79)

ابونعیم و حاکم حسکانی به سند خود از حضرت [امام صادق](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82) علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: مقصود از نعیم در این آیه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ما است که از آن پرسیده خواهد شد. [[۸۰]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-80)

برخی احادیث نبوی درباره امیرالمومنین علیه السلام

* حدیث سدالابواب: «ما انا سددت ابوابکم و فتحت باب علی علیه السلام ولکن الله فتح باب علی علیه السلام و سد ابوابکم». [[۸۱]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-81)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: درب خانه های [ابوبکر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%A8%DA%A9%D8%B1) و [عمر](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D9%85%D8%B1) و عباس بن [عبدالمطلب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B7%D9%84%D8%A8) و دیگران را که به [مسجد](http://wiki.ahlolbait.com/%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF) باز می شد مسدود کردند و فقط درب خانه حضرت امیر علیه السلام را بازگذاشتند، [عباس بن عبدالمطلب](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%B3_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B7%D9%84%D8%A8) علت این امر را از حضرتش پرسید: پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود: من درهای خانه های شما را نبستم و در خانه علی را بازنگذاشتم ولکن خداوند درهای شما را مسدود کرد و در خانه علی را بازگذاشت.

* «انت اخی فی الدنیا والآخرة». [[۸۲]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-82)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله میان هر دو نفر از اصحابش عقد اخوت بست علی علیه السلام در حالی که چشمانش اشک آلود بود آمد و عرض کرد: یا رسول الله میان اصحاب عقد اخوت برقرار کردی و مرا با کسی برادر ننمودی پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو در [دنیا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AF%D9%86%DB%8C%D8%A7) و [آخرت](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%D8%AE%D8%B1%D8%AA) برادر منی.

* [حدیث](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB) [حق](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D9%82): علمای عامه و خاصه به طرق مختلفه نقل کرده اند که [رسول خدا](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام مع الحق والحق مع علی علیه السلام.

علی علیه السلام همیشه همراه با حق بوده و حق هم با علی علیه السلام است. بحرانی در [غایة المرام](http://wiki.ahlolbait.com/index.php?title=%D8%BA%D8%A7%DB%8C%D8%A9_%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%85&action=edit&redlink=1) پانزده حدیث از عامه و یازده حدیث از خاصه در این مورد نقل کرده است. [[۸۳]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-83)

* «ان علیا علیه السلام منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن بعدی علی علیه السلام»؛ از من و من هم از او هستم و او ولی هر مؤمنی است. [[۸۴]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-84)
* «من اطاعنی فقد اطاع الله و من عصانی فقد عصی الله، و من اطاع علیا علیه السلام فقد اطاعنی و من عصی علیا علیه السلام فقد عصانی. [[۸۵]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-85)

هر کس مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است و هر که مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است، و کسی که علی علیه السلام را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که علی علیه السلام را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است.

* «ان الله جعل ذریة کل نبی فی صلبه و جعل ذریتی فی صلب علی بن ابی طالب»؛ خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابیطالب علیه السلام گذاشت. [[۸۶]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-86)
* «حب علی بن ابیطالب علیه السلام یأکل السیئات کما تأکل النار الحطب»؛ دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام بدی ها را می خورد (از بین می برد) همچنان که آتش هیزم را می خورد می سوزاند. [[۸۷]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-87)
* «انا مدینة العلم و علی علیه السلام بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب»؛ من شهرستان علم هستم و علی علیه السلام هم دروازه آنست پس هر که [علم](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D9%84%D9%85) را بخواهد باید از در آن وارد شود. [[۸۸]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-88)
* «حق علی علیه السلام علی المسلمین کحق الوالد علی ولده»؛ حق علی علیه السلام بر مسلمین مانند حق پدر بر فرزندش است. [[۸۹]](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85#cite_note-89)

منابع

* دانش نامه اميرالمؤمنين (ع) بر پايه قرآن و حديث، محمد محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، 1386
* الصحیح من سیرة الامام علی (علیه السلام)، علامه جعفر مرتضی عاملی، موسسه فرهنگی ولاء منتظر (عج)، 1388
* امامت و سياست (تاريخ خلفاء)، ابن قتيبة دينوري (276)، ترجمه سيد ناصر طباطبايى، تهران، ققنوس، 1380ش.
* تاريخ اليعقوبى، احمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب واضح الكاتب العباسى المعروف باليعقوبى (م بعد 292)، بيروت، دار صادر، بى تا.
* الكامل في التاريخ، عز الدين أبو الحسن على بن ابى الكرم المعروف بابن الأثير (م 630)، بيروت، دار صادر - دار بيروت، 1385/1965.
* تاریخ سیاسی اسلام ج 2 (تاریخ خلفا)، رسول جعفریان، انتشارات دلیل ما، 1392
* سیاست نامه امام علی (علیه السلام)، محمد محمدی ریش شهری، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، 1381